

## ادبیات ایران در هزاره دوم نگاهی به گذشته و اشاره بی به هزار سال مبارزه فرهنگی (۵۲)

اسماعیل وفا یغمایی

کشتار عمومی در کرمان

پس از دستگیری لطف علی خان شهر کرمان یکسره آماج تجاوز و کشتار گردید. به دستور آغا محمد خان بیست هزار جفت چشم مردم شهر کرمان از حدقه بیرون کشیده شد و شمارش گردید. زنان و دختران و پسران نوجوان میان لشکریان تقسیم شدند و مورد تجاوز گرفتند. تعداد زنان و دخترانی که میان سربازان تقسیم شدند تا بیست هزار تن نوشته شده است. سربازان زنان و دختران اسیر را با خود به پایتخت بردند و تا مدتها بعد خانواده های اسیران سر در پی آنان داشته و در صورت باز یافتن آنان کوشش میکردند که بتوانند این اسیران را باز خرید نموده و از رنج و نکبت نجات دهند.

شمار زیادی از اسیران گردن زده شدند و سرهای کشتگان بر شانه های دیگر اسیران تا شهر بم حمل گردید و در آنجا هر می از سرها ساختند تا خاطره دستگیری لطف علی خان محفوظ بماند. درست در کشاکش این عقب ماندگی ها و جنایت ها در سوی دیگر جهان انقلاب کبیر فرانسه به مدد شناخت و شعور روشنگران و متفکرین و مبارزان، درها و دریچه های جهان کهن را که از غبار خرافه و تاریکی و افکار قرون وسطایی پوشیده شده بود به سوی روشنی و آینده باز میکرد. انقلاب کبیر فرانسه همزمان با آغاز حکومت لطفعلی خان زند و قدرت یافتن قاجارها، پیروز شد.

در باره سلسله زند

دوران ۴۶ ساله حکومت زندیان بر ایران، - بجز ایام حکومت کریم خان که آرامشی نسبی وجود داشت - ادامه همان کشاکشهای خونینی است که بارها در تاریخ ایران تکرار شده است. جدال بر سر قدرت و خونریزی و خشونت، قدرت متمرکز دوران کریم خان را رو به زوال برد و دوران زندیان را چون حکومت افشار به برقی گذرا تبدیل کرد، در حقیقت سلسله زند را باید در بنیاد گذار آن باز شناخت و خاتمه یافته تلقی کرد. در دوران پس از کریم خان تنها در مدتی کوتاه ستاره بخت لطف علی خان زند شاهزاده

شجاع و زیبا روی زند درخشید ولی لطف علی خان پس از به دست گرفتن زمام قدرت تغییر اخلاق داد و در خشونت به آنجا رسید که به قول سر پرسی سایکس «تاریخ ایران» صفحه ۴۱۳ دستور زنده سوزاندن میرزا مهدی یکی از حسابداران ارتش را که به جسد پدرش توهین کرده بود صادر کرد. در دوران کریم خان ایران نوعی مسامحه در مذهب را تجربه کرد. کریم خان با آنکه شخصی معتقد به مذهب بود به سخنان ملایان و اعتقادات آنها واقعی نمیگذاشت. در دوران او در پایتخت، مسلمانان، مسیحیان، کلیمیان و زرتشتیان در کنار هم روزگار آسوده ای داشتند. شهر شیراز در دوران کریم خان به آبادانی و رفاه بسیار دست یافت.

سلسله قاجار

۱۲۰۱ - ۱۳۳۹ هجری، ۱۷۸۷ -

۱۹۲۱ میلاد

۱ - آقا محمد خان قاجار ۱۲۰۱ - ۱۲۱۲ هجری. بنیاد گذار سلسله قاجار، آقا محمد خان قاجار فرزند محمد حسن خان قاجارونوه فتحعلی خان قاجار از خان های ایل اشاقه باش بود. جد و پدر و برادر آقا محمد خان، هرسه از مدعیان قدرت بودند و هر سه نیز در سودای سلطنت جان باختند.

فتحعلی خان قاجار با توطئه نادر شاه به قتل رسید و جسدش در خواجه ربیع مشهد به خاک سپرده شد، پسرش محمد حسن خان قاجار پس از مدتها کشاکش بر سر قدرت با آنکه ارتشی بسیار قوی و پنجاه هزار نفره در اختیار داشت و مدت زمانی بر بخشی از ایران حکومت کرد در دوران کریم خان کشته شد و سر او به دستور کریم خان با احترام در بقعه شاه عبدالعظیم مدفون گردید، از محمد حسن خان قاجار نه پسر و دو دختر بر جای ماند و از زمره آنان حسین قلی خان برادر کوچکتر آقا محمد خان است که به دلیل کشتارها و خونریزی هایش در استر آباد به حسین قلی خان جهانسوز معروف شد. او از مدعیان حکومت در دوره کریم خان بود و پس از جنگها و کشاکشهای بسیار و وقتی نزدیکان او متوجه شدند در مقابل کریم خان کاری از او ساخته نخواهد بود چند تن از ترکمانان بموت را اجیر کرده و نیمه شبی او را در سراپرده اش به گلوله بستند و کشتند و جسدش را در شهر استر آباد به خاک سپردند.

آقا محمد خان قاجار در کشاکشهای دوران پدرش همراه با برادرش مدتی به اسارت عادل شاه افشار در آمد

و عادل شاه به دلیل کینه از محمد حسن خان دستور داد آقا محمد خان را در سن پنج سالگی مقطوع النسل کنند. پس از قتل محمد حسن خان، کریم خان زند به دلیل اخلاق خاص خود، با فرزندان محمد حسن خان به مهربانی رفتار کرد و آقا محمد خان را در دربار خود پرورد.

آقا محمد خان در سال ۱۱۵۵ هجری، ۱۷۴۲ میلادی متولد شده بود و در هنگام پایان کار لطف علی خان زند پنجاه و چهار سال داشت. پیش از آن در سن هجده سالگی از سوی پدرش مدتی حاکم آذر بایجان بود و از سی سالگی تا هنگام مرگ کریم خان در دربار کریم خان با راحتی و احترام زندگی میکرد و در بسیاری از اوقات طرف مشورت خان زند بود و خان زند او را «پیران و پسه» نام نهاده بود.

پس از مرگ کریم خان، آقا محمد خان از شیراز گریخت و به متحد کردن طوایف قاجار پرداخت و در کشاکش جنگ داخلی بازماندگان سلسله زند با سپاه سی هزار نفری خود موفق شد گیلان و مازندران و اصفهان و تبریز و همدان را زیر نفوذ خود در آورد. پس از شکست لطف علی خان دیگر رقیبی در مقابل او وجود نداشت، تنها در خراسان بازماندگان نادر شاه حکومتی سست و خالی از قدرت داشتند.

آقا محمد خان به دلیل این که تهران از همه جا نزدیکتر به محل سکنا ایلات و طوایف قاجار بود تهران را که قصبه بزرگی بود به پایتختی اختیار کرد و تهران از آن زمان رو به وسعت نهاد، او در آغاز قدرت گرفتن به قلع و قمع و کشتار مدعیان و مخالفان و از جمله برادران خود پرداخت. سرکوب قبایل افشار و کشتار ترکمانان از زمره کارهای او در این دوران است.

لشکر کشی به قفقاز و گرجستان و فتح تفلیس قدرت آقا محمد خان را افزون کرد. او در سال هزار و دویست و ده هجری، ۱۷۹۵ میلادی در تهران با به کمر بستن شمشیر شاه اسماعیل صفوی به عنوان پادشاه ایران و به قول سعید نفیسی در جلد اول «تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در دوران معاصر»، به نام پیشوای شیعه تاج شاهی بر سر نهاد.

پس از تاجگذاری، فتح خراسان و شکنجه و قتل شاهرخ افشار شاهزاده کور و آخرین بازمانده سلسله افشارو لشکر کشی دوم به گرجستان اوقات او را به خود اختصاص داد اما بخت بیش از این با او یاری نکرد و در شب بیست و یکم ذی الحجه سال ۱۲۱۲ هجری، ششم ژوئن ۱۷۹۸ میلادی در حوالی شهر شوشی به دست چندتن از

خدمتگذارانش - که آنها را تهدید به قتل کرده بود - از جمله صادق خان گرجی پیشخدمت، خداداد فرارش و یکی دیگر از خدمتگذارانش بنام عباس به ضرب کارد کشته شد. جسد آقا محمد خان را به دستور جانشینش فتحعلیشاه قاجار به نجف برده و در آنجا دفن کردند.

در باره آقا محمد خان

آقا محمد خان قاجار یکی از چهره های شگفت تاریخ پر کشاکش ایران است و شناخت بیشتر او، ما را با بنیاد گذار سلسله ای که درست پیش از دوران تاریخ معاصر ما قرار دارد و نوسانات معلولی ناشی از وجود این سلسله، تا دوران ما تاثیرات خود را بجا نهاده آشنا میکند.

آقا محمد خان به دلیل عقده ناشی از ستم مقطوع النسل شدن در سن پنج سالگی، شخصیت یک بیمار روحی را داشت و به بیماری صرع نیز مبتلا بود. خشونت ناشی از این عقده بر خشونت های معمول یک خان ترکمان افزوده شده و سیمایی عجیب از او ساخته است.

خشونت و بیرحمی، کشتار، و تجاوز بی رویه شاخص لشکر کشی های اوست. کشتار مردم کرمان، کشتار وحشیانه ترکمانان و تقسیم زنان و دختران آنان در میان سپاهیان، کشتار و تجاوز بیرحمانه در فتح تفلیس، شکنجه و وحشیانه شاهزاده کور افشار در مشهد، بیرون آوردن استخوانهای کریم خان از گور و دفن آن در زیر پای خود، گوشه ای از دنیای شقاوت های اوست. در حمله به گرجستان و فتح تفلیس دستور داد شهر را یکسره آماج کشتار و تجاوز و غارت کنند. در این حمله او پانزده هزار زن و دختر و پسر را اسیر و میان لشکریان خود تقسیم کرد. همچنین اودستور داد کشیشان را دست بسته در رودخانه بیاندازند و خفه کنند و شهر را یکسره به آتش بکشند. مورخین نوشته اند شمار کشتگان در شهر تفلیس قابل محاسبه نیست.

آقا محمد خان در سپاهگیری و سلوک با سپاهیان و لشکر کشی فرماندهی توانا و متهور بود و در دوران او علیرغم اینکه روسیه دوران کاترین کبیر ارتش روسیه از قدرت بسیار برخوردار بودند نتوانستند به خاک ایران دست اندازی کنند. سرعت آقا محمد خان در لشکر کشی ها و اتکا او به سواره نظام تند رو از عوامل پیروزی او در لشکر کشی ها بود.

بقیه در صفحه ۱۸